مرگ مرد جوان در آتشی که همسر موقتش به پا کرد

14 مرداد 1402

زن جوان که مدعی است با ریختن بنزین روی وسایل خانه و تهدید به خودسوزی قصد داشته شوهرش را از خودکشی منصرف کند حریقی به پا کرد که نه تنها شوهرش را سوزاند بلکه خودش را نیز به‌عنوان متهم به قتل پای میز محاکمه کشاند.

رسیدگی به این پرونده از دی سال 1400 با آتش‌سوزی مهیب و مشکوک خانه‌ای در یکی از مناطق جنوبی تهران و فریادهای کمک‌خواهی زن جوانی به نام نسرین آغاز شد.

در ادامه این حادثه و تماس همسایه‌ها با آتش‌نشانی، مأموران آتش‌نشان به محل اعزام شدند و حریق به سرعت خاموش شد. پس از آن امدادگران مرد جوانی به نام شهرام را که در خانه دچار سوختگی شدیدی شده بود پیدا کرده و با کمک عوامل اورژانس به بیمارستان منتقل کردند اما وی دقایقی بعد از درمان‌های اولیه به کما رفت.

نسرین هم که دچار سوختگی‌هایی در نواحی دست و پا و صورت شده بود به صورت سرپایی تحت درمان قرار گرفت و بعد از بهبودی نسبی در مقابل مأموران قرار گرفت و در تشریح ماجرا گفت: 10 سال قبل من به عقد موقت شهرام درآمدم، اما او مدتی بود که افسردگی داشت و می‌خواست خودکشی کند از آنجایی که به او علاقه زیادی داشتم روز حادثه وقتی دیدم می‌خواهد خودکشی کند من هم با تهیه بنزین و پاشیدن آن در همه جای خانه می‌خواستم به او عشقم را ثابت کنم و به شهرام بفهمانم که اگر قرار است بلایی سر او بیاید من هم حاضرم با او به زندگی‌ام پایان دهم اما چون بخاری روشن بود به یکباره همه جا آتش گرفت و هر دو سوختیم.

در حالی که تحقیقات در خصوص ابعاد پنهان این پرونده ادامه داشت کادر درمانی بیمارستان بعد از 4 روز اعلام کردند که شهرام به علت شدت سوختگی فوت کرده است.

با اعلام این خبر نسرین 31 ساله(همسر موقت مقتول) بازداشت شد و پدر و مادر شهرام هم با حضور در دادسرا از نسرین به عنوان عامل قتل پسرشان شکایت کردند.

پس از آن پرونده با صدور کیفرخواست برای رسیدگی به شعبه 12 دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در دادگاه چه گذشت

در ابتدای جلسه اولیای دم برای زن جوان درخواست قصاص کردند. مادر شهرام به جایگاه رفت و گفت: از 10 سال پیش وقتی پسرم نسرین را صیغه کرد تا لحظه‌ای که این اتفاق افتاد ما هیچوقت ندیدیم که آنها باهم اختلافی داشته باشند و وقتی متوجه این حادثه شدیم برای‌مان این سؤال پیش آمد که چرا نسرین با وجود عشقی که به پسرم داشت دست به چنین کاری زده و پسرمان را کشته است.
در ادامه نسرین به جایگاه رفت و گفت: من 21 ساله بودم که به شهرام علاقه‌مند شدم و با اینکه او 2 سال از من کوچکتر بود به عقد موقتش درآمدم در این مدت زندگی خوبی داشتیم تا اینکه یک سال قبل شهرام به‌خاطر گرفتن پول نزول و مشکلات اقتصادی دچار افسردگی شدیدی شد حتی چندباری هم می‌خواست به زندگی‌اش پایان دهد که من مانع او شدم. خیلی سعی کردم کمکش کنم اما شهرام به خاطر شرایط روانی‌اش همکاری نمی‌کرد و در یک‌سال اخیر بطور کلی ناامید شده بود.
روز حادثه متوجه شدم که قصد دارد دست به خودکشی بزند و من هم به‌خاطر اینکه مانع تصمیم او شوم به پمپ بنزین رفتم و یک گالن بنزین گرفتم و آن را در همه جای خانه پاشیدم و گفتم اگر می‌خواهی به زندگی‌ات پایان دهی من هم با تو می‌میرم چون من بدون تو نمی‌توانم زندگی کنم. راستش می‌خواستم عشقم را به او ثابت کنم تا بداند که چقدر دوستش دارم و حداقل به این بهانه از تصمیمی که گرفته منصرف شود. اما ناگهان بنزین به آتش بخاری رسید و سبب شد خانه به یکباره آتش بگیرد و هر دوی ما بسوزیم.
نسرین در حالی که گریه می‌کرد ادامه داد: من فقط به خاطر علاقه‌ای که به او داشتم این کار را کردم و دلم نمی‌خواست کوچکترین آسیبی به او وارد شود.
با پایان اظهارات متهم قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.

***ایران/ کامران علمدهی**